

باز پژوهی آثار اجتماعی اعتکاف

حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا بهروز*

سخن نخست

برخی از مسائل - علی رغم اهمیت آن - فراموش می‌شوند، مانند امر به معروف و نهی از منکر که از مهمترین فرایض الهی هستند، - اما این دو از واجبات فراموش شده هستند. از جمله مسائلی که (در بیشتر زمان‌ها) فراموش شده است اعتکاف می‌باشد، این در حالی است که اعتکاف در همه ادیان الهی وجود داشته است و اولیای الهی سخت بدان اهمیت می‌دادند، و این امر به گونه ای فراگیر بوده که طیف وسیعی از پیروان ادیان الهی به برگزاری مراسم اعتکاف می‌پرداختند. در اسلام نیز به این امر سخت اهمیت داده شده است تا آن جا که پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام، خود به این امر می‌پرداختند و دیگران را بدان سفارش می‌نمودند. بر این اساس بایسته است، در این خصوص واکاوی‌های لازم صورت گیرد، تا فرهنگ اعتکاف رشد بیشتری یابد. البته نباید فراموش کرد که به برکت انقلاب اسلامی و رهنمودهای مقام معظم رهبری مد ظله العالی، فرهنگ اعتکاف رواج یافته است، اما انتظار می‌رود که بیشتر از این مورد توجه قرار گیرد. پژوهش در باره همه ابعاد اعتکاف، فرصت دیگر می‌طلبد. این نوشتار می‌کوشد، برخی آثار اجتماعی آن را سامان دهد.

الف . اعتکاف در لغت

اعتکاف، مصدر باب افتعال از ریشه «ع-ک-ف» به معنای محبوس کردن و روی آوردن به چیزی است.^۱ راغب اصفهانی می‌نویسد: اعتکاف به معنای روی آوردن و ملازمت با چیزی، همراه با تعظیم آن است.^۲ «اعتکاف در لغت به معنای حبس بودن است و از همین معناست درنگ طولانی و همراه دائمی چیزی بودن، چه آن شیء خوب باشد و چه بد و معنای شرعی آن مکث و درنگ طولانی برای عبادت و راز و نیاز با خدا در مسجد می‌باشد.^۳»

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: انتشارات کتابفروشی مرتضوی ۱۴۱۶ه، چاپ سوم، تصحیح: احمد حسینی، ج ۵، ص ۱۰۳، ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ج ۹، ص ۲۵۵.

۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار العلم، چاپ اول، ص ۵۷۹، «عکف».

۳. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تصحیح: قوجانی، شیخ عباس، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ج ۱۷، ص ۱۵۹.

ب. مفهوم اصطلاحی اعتکاف

از نظر اصطلاح نیز برای اعتکاف تعاریف متعددی ارائه شده است^۱، اما در میان همه این تعاریف، بهترین تعریف این است که امام خمینی بیان نموده است: «اعتکاف، عبارت است از ماندن در مسجد و درنگ در آن به قصد اینکه بندگی خدا نماید»^۲. آنچه از تعریف حضرت امام درباره اعتکاف آشکار است، هدف از ماندن در مسجد، تنها برای بندگی و عبودیت می باشد، و زمانی که با این قصد و نیت در مسجد حضور پیدا کنیم می توانیم بگوئیم که معتکف شده ایم. پس تنها ماندن در مسجد کافی نیست بلکه باید این ماندن همراه با انجام اعمال و عبادات خاصه باشد، یعنی «اعتکاف: ماندن در مکانی طبق شرایط خاص و برای مدت زمانی مخصوص به منظور عبادت است. به عبارت دقیقتر می توان گفت: اعتکاف فقط ماندن در مسجد است به قصد تعبد، هرچند قصد عبادت دیگر نداشته باشد»^۳.

ج. آثار اعتکاف

به یک اعتبار می توان دو نوع آثار برای اعتکاف بیان نمود.

الف. آثار فردی

ب. آثار اجتماعی

در این نوشتار به آثار اجتماعی اعتکاف اشاره می نمایم.

۱. هم نشینی با پارسایان

اولین اثر اجتماعی اعتکاف تشکیل جامعه ای کوچک از پارسایان است، یعنی معتکفان با اولین حضور خود در مکان خاص جمعی را تشکیل می دهند و تشکیل چنین جمعی آثار متعدد دارد، از جمله آن انتخاب دوستان خوب می باشد، به عبارت دیگری از عوامل سازنده شخصیت انسان دوست و هم نشینی با دوستان است، و بسیاری از طریق دوستان به دیگران منتقل می گردد. بر این اساس است که امام علی علیه السلام ملاک و معیار افرادی که نسبت به دینداری آن ها شک وجود دارد، تحقیق در باره دوستان آن ها بیان کرده است: «وَمَنْ اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ أَمْرُهُ وَلَمْ تَعْرِفُوا دِينَهُ فَانْظُرُوا إِلَى خُلَطَائِهِ فَإِنْ كَانُوا أَهْلَ دِينِ اللَّهِ فَهُوَ عَلَى دِينِ اللَّهِ»

۱. رک: حلی، محقق نجم الدین، جعفر بن حسن، المعتمد فی شرح المختصر، قم: موسسه سید الشهداء، چاپ اول، ۱۴۰۷ ه.ق، ج ۲، ص ۷۲۵، علامه حلی، حسن بن یوسف مطهر اسدی، تذکره الفقهاء، قم: موسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ اول، بی تا، ج ۶، ص ۲۳۹، شهید اول، محمد بن مکی عاملی، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۷ ه.ق، ج ۱، ص ۲۹۸، نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ج ۱۷، ص ۱۵۹.

۲. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم: موسسه دار العلم، چاپ اول، ج ۱، ص ۳۰۴.

۳. حیات طیب (مجموعه مقالات پیرامون اعتکاف)، سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت فرهنگی و تبلیغ، ص ۲۰.

وَإِنْ لَمْ يَكُونُوا عَلَى دِينِ اللَّهِ فَلَا حَظَّ لَهُ فِي دِينِ اللَّهِ؛^۱ هرگاه وضع کسی به شما مشتبه شد و دین او را شناختید به دوستانش نظر کنید، اگر اهل دین خدا بودند، او نیز اهل و پیرو دین خداست، و اگر اهل دین خدا نبودند، او نیز بهره‌ای از دین خدا ندارد.» هم چنین ایشان در وصیت نامه خود به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «قَارِنْ أَهْلَ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ وَبَايِنِ أَهْلَ الشَّرِّ تَبَيَّنْ عَنْهُمْ»؛ به نیکوکاران نزدیک شو که از آنان خواهی شد و از اهل شرّ و بدی دوری جو، تا از شرّ آن‌ها برکنار باشی.»

بر این اساس یکی از آثار هم نشینی با معتکفان، ایجاد شبکه‌های دوستی است و معتکفان می‌توانند گروه‌های دوستی را به صورت هدفمند تشکیل دهند زیرا، در مراسم اعتکاف شاهد حضور تعداد زیادی از نوجوانان و جوانان هستیم که حد متوسط سنی ایشان بین ۱۵ تا ۲۰ می‌باشد و پتانسیل ایجاد گروه‌های دوستی در ایشان بسیار قوی است، که می‌توانند هسته‌های اولیه حلقه‌ها و شبکه‌های دوستی را تشکیل دهند. به هر حال، ایجاد شبکه‌های دوستی پایدار و تنگاتنگ یکی از ویژگی‌های اصلی این مراسم معنوی است که می‌تواند زمینه رشد و شکوفایی استعدادهای این نسل را در قالب دوستی‌های سالم را فراهم کند. اضافه بر آن، این شبکه‌های دوستی را می‌توان جریانی تاثیر گذار بر رفتار جامعه دانست، یعنی این شبکه‌ها در خط دهی به جامعه و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی نقش موثری ایفا می‌کند، زیرا حضور مؤمنان شهر در چند مسجد، فرصتی است که با یکدیگر ارتباط برقرار نموده و از آثار اخوت اسلامی برخوردار شوند. این مضمون از برخی روایات نیز قابل استفاده است به عنوان نمونه امام سجاد علیه السلام فرمود: «مَنْ أَدَامَ الْإِخْتِلَافَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى ثَمَانٍ آيَةٍ مُحْكَمَةٍ وَ آخَا مُسْتَفَادًا وَ عِلْمًا مُسْتَطَرَفًا وَ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً وَ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى الْهُدَى أَوْ تَرُدُّهُ عَنْ رَدَى وَ تَرَكَ الذُّنُوبَ حَيَاءً أَوْ خَشْيَةً»^۲ کسی که همواره به مسجد (برای اقامه نماز و غیره) رفت و آمد کند، یکی از این هشت فایده به او برسد: ۱. استفاده از آیه روشنی از قرآن. ۲. یافتن رفیق نیک. ۳. فراگیری علم تازه. ۴. برخورداری از رحمتی که در انتظارش بود. ۵. شنیدن سخنی که راهنمای راه باشد. ۶. از انحراف در امان باشد. ۷. موجب ترک گناه از روی حیا شود. ۸. موجب ترک گناه بر اثر ترس گردد.»

از واژه «آخَا مُسْتَفَادًا» استفاده می‌شود که حضور دسته جمعی در مساجد موجب برقراری اخوت اسلامی و شناخت شناسی یکدیگر می‌شود. شاید بر این اساس باشد که در روایات از مساجد به عنوان کانون اجتماع یاد شده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده: «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَعْتَادُ الْمَسَاجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِيمَانِ لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ هُنَاكَ هُنَاكَ»^۳ دیدید مردی بر رفت و آمد به مسجد مداومت می‌کند وی را مؤمن بدانید، خداوند متعال می‌فرماید: تنها آنان که ایمان به خداوند دارند مساجد خدا را آباد می‌کنند.»

۱. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۴، ج ۷۴، ص ۱۹۷.

۲. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم: موسسه آل البيت، چاپ اول ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۳۲۷.

۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۷۵ ص ۱۰۸.

۴. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، پیشین، ج ۳، ص ۳۶۲.

پیامبر اسلام ﷺ در حدیثی دیگر از مسجد به عنوان خانه انسانهای متقی یاد کرده است که نشان از محل اجتماعی بودن آن دارد: «الْمَسَاجِدُ بُيُوتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بَيْتَهُ ضَمِنَ اللَّهُ لَهُ بِالرُّوحِ وَالرَّاحَةِ وَالْجَوَازِ عَلَى الصِّرَاطِ^۱ مساجد خانه انسانهای متقی است و خداوند متعال رحمت و راحت و عبور بر صراط را برای آنان که مساجد را خانه های خویش قرار داده اند ضمانت نموده است.»

بدیهی است وقتی مساجد و محافل دینی دارای چنین ظرفیت‌های خوبی است و در زمان اعتکاف این ظرفیت‌ها افزایش کمی و کیفی پیدا می‌کند و با مدیریت صحیح می‌توان چنین شبکه‌های اجتماعی را پی ریزی نمود و با برنامه ریزی دقیق عوامل تداوم آن را بعد از مراسم اعتکاف نیز فراهم کرد.

۲. سالم سازی جامعه

یکی از دغدغه‌های مهم اندیشمندان جامعه‌شناس، ایجاد و سالم سازی جامعه می‌باشد، اما تشکیل آن نیازمند ایجاد و ظرفیت سازی زیر ساخت‌های آن است، به سخن دیگر جامعه سالم، نیازمند افراد پرهیزکار و معنویت گرا است، بنا بر این جامعه مطلوب جامعه‌ای است که افراد پارسا، آن را تشکیل دهند، از این رو اگر افراد جامعه، انسان‌های تقواگرا، باشند جامعه سالم خواهیم داشت و اعتکاف نیز عامل تقوا است.

در این جا به مولفه معنویت گرایی می‌پردازیم که از آثار بسیار مهم عبادات ۱- از جمله اعتکاف است. جهت آگاهی بیشتر می‌توان یادآور شد:

یکی از مولفه‌های جامعه دینی، معنویت است، معنویت حالتی از حالات‌های درونی و روانی انسان است که در زمره سایر حالات او قرار می‌گیرد و دارای روش‌ها، اهداف و قالب‌های مختلفی است که می‌توان یکی از مظاهر آن را در اعتکاف مشاهده کرد، از معنویت در آموزه‌های دینی به واژه‌هایی مانند تقوا یاد شده است، و تقوا به معنای حفظ نفس از چیزی است که موجب گناه می‌شود؛ این صفت از طریق رعایت احکام شرعی و حدود الهی حاصل می‌شود و اعتکاف نیز از حدود الهی به شمار آمده و از عوامل مهم ایجاد تقواست محسوب می‌گردد، زیرا:

۱-۱. اعتکاف عبادت است و از دید قرآن هر عبادتی در ایجاد تقوا تأثیر مستقیم دارد. چنان که در قرآن آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ^۲» ای مردم پروردگارتان را که شما و کسانی را که پیش از شما بوده‌اند آفریده است پرستش کنید، باشد که به تقوا گرایید.

۱. همان، ص ۳۶۲.

۲. سوره بقره، آیه ۲۱.

۱-۲. روزه نیز که از شرایط صحت اعتکاف است، در تحصیل تقوا نقشی بنیادی دارد. چنان که خداوند فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما مقرر شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود باشد که پرهیزگاری کنید.

۱-۳. توقف در مسجد نیز که از شرایط اعتکاف است که این امر نیز، از عوامل تقوای الهی است و از منظر قرآن فلسفه وجودی مسجد، رسیدن انسان‌ها به مقام تقوا است و مردانی که در آن حضور دارند (به ویژه در ایام اعتکاف) انسان‌های دین مدار و درست کار هستند: «... لَمَسْجِدٍ أُسَسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» ...مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده سزاوارتر است که در آن [به نماز] ایستی [و] در آن مردانی اند که دوست دارند خود را پاک سازند و خدا کسانی را که خواهان پاکی اند دوست می‌دارد.

۳. عبادات دسته جمعی

گرچه در ایام اعتکاف، هر کدام از معتکفین برای خود برنامه دعا و نیایش فردی دارند، و این کار درستی است؛ زیرا در خلوت‌ها است که انسان با معبود خود ارتباط برقرار می‌نماید و در پی آن آرامش ایجاد می‌گردد. به قول امام راحل که سوره است:

جز سر کوی توای دوست ندارم جای در سرم نیست به جز خاک درت سودائی

بر در می‌کده و بت‌کده و مسجد و دیر سجده آرم که تو شاید نظر بنمایی

عاکف در گه آن پرده نشینم شب و روز تا به یک غمزه او قطره شود دریایی^۳

اما در این میان برنامه‌های خواندن دعا و نیایش به صورت گروهی نیز مرسوم است، که هر کدام از معتکفین برای دیگری — و حتی — برای رشد و هدایت جامعه و برطرف شدن موانع آن دست به دعا بر می‌دارند. و این خود از مصادیق مهم اثر اجتماعی اعتکاف می‌باشد. جهت توضیح بیشتر می‌باید گفت: برنامه ریزی گروهی در اعتکاف از دو دیدگاه قابل بررسی است.

دیدگاه اول بر این باور است اعتکاف که از نظر زمان محدود است، باید به اعمال فردی اعتکاف اهمیت بیشتری داده شود، زیرا اعتکاف زمانی بروز و ظهور بیشتری پیدا می‌کند که هر کس تنها با خدای خود به راز و نیاز پردازد و در حد امکان از تماس با معتکفان دیگر اجتناب کند؛ حال که فرصتی به وجود آمده که معتکف از خانه و بستگان و جامعه فاصله گرفته، بهتر است در این مدت کوتاه به تنهایی هم نشین خدا شود.

۱. همان، آیه ۱۸۳.

۲. همان، آیه ۱۰۸.

۳. امام خمینی (ره)، دیوان، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۸۶.

دیدگاه دوم معتقد است اعتکاف هم می‌تواند یک عمل فردی باشد و هم می‌تواند دسته جمعی، مانند نماز که هم انفرادی و هم به صورت جماعت برگزار می‌شود، شاید جمعی بودن اعتکاف مفیدتر باشد، و هم چنان که پرندگانی که به صورت گروهی پرواز می‌کنند، دارای شتابی بیشتر از پرندگانی هستند، که به صورت فردی پرواز می‌نمایند، شتاب معنوی انسان مهاجر در جمع بیشتر از حرکت فردی است و اگر در این میان یک فرد انکسار قلبی پیدا کند و به اصطلاح دلش بشکند، خدای سبحان به جمع، با نظر لطف و عنایت بیشتر نگاه می‌کند. شاید بر این اساس باشد که هم معتکفین و هم مسولین برگزاری اعتکاف ترجیح می‌دهند، که این امر به صورت عبادت گروهی انجام گیرد، افزون بر آن این که همه معتکفان نمی‌توانند در سه شبانه روز به صورت فردی به عبادت مشغول شوند، مخصوصاً گروهی از جوانان که اعتکاف را برای اولین بار تجربه می‌کنند، چنین توانایی را در خود نمی‌بینند که تمام این سه شبانه روز را محض در عبادت شوند، لذا در پس هر ساعتی که به عبادت و خلوت با خدای خویش می‌پردازند، ساعتی هم سرگرم صحبت با دوستان خود می‌شوند که چه بسا این صحبت‌ها موجب نشاط بیشتری می‌گردد. بنا بر این می‌توانیم به این نتیجه دست یابیم که امکان استفاده هر دو قالب (عبادت فردی و گروهی) در اعتکاف وجود دارد، فرد معتکف در عین حال که در جمع اعتکاف می‌کند عبادت گروهی انجام می‌دهد، در عین حال ارتباط خود را با خدای خویش در همه لحظه‌ها حفظ می‌کند.

۴. دعوت به خوبی‌ها

در عصر حاضر که جامعه بشری دچار بحران معنوی است، عده‌ای در زمان خاصی در پاکیزه‌ترین مکان‌ها، یعنی مسجد جامع شهر گرد هم می‌آیند و خدا را صدا می‌زنند و از گناهان خویش توبه می‌کنند و این همان فضا و بار معنوی است که جامعه امروزی شدیداً به آن نیاز دارد، در واقع کسانی که تصمیم به اعتکاف می‌گیرند با احیای این سنت حسنه، عملاً در حال امر به معروف و نهی از منکر هستند. امام صادق (ع) فرمود: «كُونُوا دُعَاةً إِلَى أَنْفُسِكُمْ بِغَيْرِ السِّنِّكُمْ» یعنی مردم را با عمل خودتان دعوت به خوبی‌ها کنید نه با زبان خودتان»

این نوع امر به معروف و نهی از منکر عملی است که به یقین از امر و نهی زبانی برنده‌تر و کارسازتر است. از همه مهم‌تر این که همین معتکفان - بعد از اعتکاف - با حضور در جامعه به امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازند و مردم را هدایت می‌کنند و آموخته‌ها و آموزه‌های معارف اسلامی را به اعضای خانواده و جامعه منتقل می‌نمایند، نمونه‌های عینی نیز نشان می‌دهد که انتقال مراسم اعتکاف به دیگران، تاثیر بر افکار عمومی جامعه داشته است.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۲، ص، ۷۷

مراسم اعتکاف، دعوت به خوبی و کارهای نیک و شایسته است که این امر در فرهنگ دینی در قالب دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر تجلی پیدا می‌کند، و ایام اعتکاف بهترین فرصت است که این دو فریضه احیاء شود در این جا مناسب است به اهمیت و آثار امر به معروف و نهی از منکر اشاره‌ای داشته باشیم.

جایگاه امر به معروف در قرآن کریم

در قرآن با بیان‌های مختلفی به دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر اشاره شده که به صورت گذرا آن‌ها را مرور می‌نماییم؛ زیرا که یکی از مصادیق معروف اعتکاف می‌باشد. از سوی دیگر نهادینه کردن و گسترش فرهنگ اعتکاف نیاز دارد که در قالب امر به معروف و نهی از منکر ارائه گردد، همان‌گونه که در ترویج معارف دینی و سالم‌سازی جامعه نیز امر به معروف و نهی از منکر لازم است.

الف. خداوند یکی از اوصاف مومنین را امر به معروف و نهی از منکر می‌داند: «مردان و زنان با ایمان ولی (و یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند.»^۱ ب. در برخی آیات کسانی که این دو فریضه را ترک کرده اند مذمت شده است: «از میان فرزندان اسرائیل آنان که کفر ورزیدند به زبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند این [کیفر] به خاطر آن بود که عصیان ورزیده و [از فرمان خدا] تجاوز می‌کردند» این نهایت سرزنش است، زیرا آنان را به علت ترک نهی از منکر سزاوار لعن و نفرین دانسته است.^۲

ج. در برخی آیات به وجوب امر به معروف و نهی از منکر اشاره می‌نماید:

«باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند»^۳ در این آیه به صورت آشکار وجوب امر به معروف و نهی از منکر از آن استفاده می‌شود زیرا واژه «ولتکن» امر است و دانشمندان علم اصول ظاهر امر را وجوب می‌دانند بنا بر این وجوب امر به معروف از این آیه استفاده می‌شود.

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در احادیث

علاوه بر آیات، احادیث زیادی نیز درباره اهمیت این دو وظیفه وارد شده است، به عنوان نمونه:

الف- امام باقر (ع) می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء و طریق صالحان است، دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرائض با آنها برپا می‌شوند، و به وسیله این دو، راه‌ها امن می‌گردد، و کسب و کار مردم حلال می‌شود، حقوق افراد تأمین می‌گردد، و در سایه آن زمین‌ها آباد، از دشمنان انتقام گرفته می‌شود، و در پرتو آن همه کارها رو به راه می‌گردد»^۴.

۱. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَا بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» سوره توبه، آیه ۷۱.

۲. «لَعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ» سوره مائده، آیه ۷۸.

۳. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.

ب - پیغمبر اکرم ﷺ می فرماید: « کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خداوند در زمین، و جانشین پیامبر و کتاب او است^۲ ».

ج - مردی خدمت پیامبر ﷺ آمد- در حالی که حضرت بر فراز منبر نشسته بود- پرسید: مَنْ خَيْرُ النَّاسِ: «از همه مردم بهتر کیست؟» پیامبر فرمود: أَمْرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَانْتِهَائُهُم عَنِ الْمُنْكَرِ وَاتَّقَاهُمْ لِلَّهِ وَارْضَاهُمْ^۳ آن کس که از همه بیشتر امر بمعروف و نهی از منکر کند و آن کس که از همه پرهیزگارتر باشد و در راه خشنودی خدا از همه بیشتر گام بردارد».

این همه تأکید به این دو فریضه الهی به خاطر آن است که: این دو وظیفه ضامن اجرای بقیه وظائف فردی و اجتماعی است، و با تعطیل شدن آنها تمام احکام و اصول اخلاقی ارزش خود را از دست خواهد داد. و یکی از مصادیق این ارزش ها اعتکاف است، از سوی دیگر برگزاری مراسم اعتکاف سبب گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر می شود.

۵. احیای سنت های حسنه

هر جامعه ای ممکن است دارای سنت های خوبی باشد که رهبران جامعه و دلسوزان اجتماعی تمایل داشته باشند آن ها پا برجا به ماند و - حتی - ممکن است در برخی از خانواده ها نیز برخی سنت های خوب و نیکویی باشد، که بزرگان فامیل تمایل داشته باشند این سنت ها حفظ و فرزندان و نوه های آن ها این سنت ها را حفظ کنند.

ادیان و مکاتب نیز از این امر مستثنا نیستند و در هر دین و آیینی سنت های خاصی وجود دارد که رهبران دینی و پیروان واقعی آن ها معتقد به حفظ و نگه داری آن ها هستند.

در اسناد سازمان ملل نیز از بین رفتن ارزش ها و سنت های گذشته، به عنوان تهدید علیه جوامع بشری شناخته شده است که این امر نشانگر اهمیت حفظ ارزش ها و انتقال به نسل های بعد می باشد.

کارکرد سنت های اجتماعی

سنت های اجتماعی دارای کارکردهایی است که به اهم آن ها اشاره می نمایم:

الف. انسجام ملی و عمومی بین افراد جامعه

ب. ایجاد شادمانی در جامعه

۱. «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَا جُ الصُّلَحَاءُ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ» کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۵، ص ۵۶.

۲. «مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَلِيفَةُ كِتَابِهِ» نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، پیشین، ج ۱۲، ص ۱۷۹.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۲۴۵.

اصولا شادمانی برای هر جامعه ضرورت دارد، چون همان طور که افسردگی فردی داریم افسردگی اجتماعی هم داریم، جامعه ای که بیماری افسردگی داشته باشد، نمی تواند نقش خود را به خوبی ایفا کند و در بسیاری از مواقع در نقش انفعالی دارد، لذا باید جامعه دارای نشاط باشد و ارزش ها و سنت ها نقش مهمی در نهادینه کردن شادابی دارد.

ج. خدمات رسانی اجتماعی

برخی از سنت ها اجتماعی یک نوع خدمات رسانی اجتماعی را در درون خود جای داده اند، اگر سنت های دینی و اجتماعی از این قبیل باشند در جهت صلاح جامعه و مصلحت مادی و معنوی جامعه قرار می گیرند، مانند سنت وقف که چنین اثری دارد. دین اسلام نیز از سنت های درستی که این کارکردهای سه گانه را داشته باشد استقبال می کند به طور نمونه وقتی مالک اشتر از طرف امام علی (ع) مامور شد که به مصر برود، امام در نامه ای به او متذکر شد: «ای مالک تو سنت صالحی که بزرگان این امت به آن عمل کرده اند ورعیت بر آن سنت به نظام آمده و حالش نیکو شده و باعث گردآوری و الفت اجتماعی آن امت شده، مشکن، و سنتی میاور که به سنت های نیکوی گذشته زیان رساند، آن گاه پاداش نیک بهره کسانی شود که آن سنت های نیکو نهاند و گناه بر تو ماند که آن ها را شکسته ای»^۱.

از این سخن امام استفاده می شود که برخی از سنت های نیکو، عامل اجتماع و الفت همه امت است. بی تردید اعتکاف از سنت های مهم است که احیای آن در خودسازی افراد و سالم سازی جامعه نقش اساسی دارد لذا تلاش در زمینه اعتکاف، احیای سنت پیامبر (ص) است، و باعث انسجام جامعه اسلامی می شود و شادمانی معنوی را در جامعه ایجاد می کند. بر همین اساس است که در آموزه های دینی به ایجاد و حفظ سنت های حسنه اهمیت خاص داده است. چنانکه پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ»^۲ هر کس سنت نیکی را پایه ریزی کند، خداوند پاداش آن سنت را و نیز اجر همه کسانی را که به آن عمل کنند و او ارزانی می دارد، بدون آن که از ثواب عمل کنندگان به آن چیزی کاسته شود»^۳.

بر اساس میزان تاثیر گزاری اعتکاف در تحولات اجتماعی و فردی است، که در ادیان دیگر نیز به این امر تاکید شده و حتی طبق گزارش های قرآنی بت پرستان نیز عمل اعتکاف را انجام می دادند و این سنت در آیین های بت پرستی رواج داشته است،^۴ و در قرآن و روایات نیز به این امر تاکید شده است - از جمله - در روایتی آمده است که پیامبر (ص) پس از ورود در مدینه، ابتدا در دهه

۱. شریف الرضی، نهج البلاغه، تصحیح، صبحی صالح، قم: انتشارات دار الهمجره، ص ۴۳۱.

۲. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ه ش، چاپ چهارم، ج ۶، ص ۱۲۴.

۳. سوره انبیا، آیه ۵۲. رک: زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا، ج ۳، ص ۱۲۱ و طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، دار المعرفه، چاپ دوم، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۸۳.

نخست ماه رمضان و سپس در دهه دوم و در سال دیگر در دهه سوم، در مسجد اعتکاف کردند و از آن پس پیوسته در سومین دهه ماه رمضان معتکف می شدند.^۱ به جاست هر کس به فراخور حالش در احیای این سنت حسنه، تلاش وافر انجام دهد. امروزه به برکت انقلاب اسلامی و رهنمودهای مقام معظم رهبری این سنت حسنه پرننگ گردیده است. نمونه آن برگزاری اعتکاف در سراسر کشور است.

۶. کاهش جرم و فساد

یکی از عواملی که در پیش گیری و یا کاهش جرم و کج روی اجتماعی، تأثیر به سزایی دارد، دین داری و ایمان به خداوند است، فضای اعتکاف زمینه ای را برای این امر فراهم می نماید و انسان را متوجه خطاها و لغزش هایش می کند و بعد از این که مراسم اعتکاف تمام شد راه صحیح زندگی را در پیش می گیرد و از این رهگذر جنایات و گناهان اجتماعی کمتر می شود، چنان که در ماه محرم و رمضان نیز جرایم کاهش می یابد چون احساس و عواطف دینی نیز بر رفتارهای اجتماعی تأثیر می گذارد. از همه مهم تر اینکه اعتکاف خودکنترلی را در پی دارد زیرا که اعتکاف بازگشت به خویشتن و فرصتی برای محاسبه اعمال است، از این رو فرد با حسابرسی از خود به نوعی به تقویت و افزایش خودکنترلی در خویشتن می پردازد که این موضوع عاملی مهم در جلوگیری از انحراف و جرم در جامعه امروز محسوب می شود، بر این اساس است که در نظریه های جدید جهت کنترل اجتماعی به نقش خودکنترلی در کاهش آسیب های اجتماعی توجه ویژه ای شده است؛ یکی از راه های خود کنترلی، محاسبه نفس است. اعتکاف بهترین فرصت برای محاسبه نفس است زیرا جلوه ها و مظاهر مادی زندگی ماشینی، انسان ها را به خود مشغول و سرگرم نموده و فرصت هر گونه فکر و اندیشه را از انسان سلب کرده است؛ گاه انسان چنان در زندگی مادی غرق می شود که از فلسفه آفرینش خود غافل می شود و نمی داند از کجا آمده است و به کجا می رود و چگونه باید زندگی کند. از این رو، هر انسانی نیازمند فرصتی است تا خود را بیابد.

ایام اعتکاف که ایام خلوت با خدا و فاصله گرفتن از دنیا گرایی است، بهترین فرصت برای اندیشیدن است و انسان معتکف به این حدیث رسول خدا ﷺ عمل می کند که فرمود: «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا وَ زِنُوا قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا وَ تَجَهَّزُوا لِلْعَرْضِ الْأَكْبَرِ^۲ از خود حساب بکشید پیش از آن که به حساب شما برسند و اعمال خود را وزن کنید پیش از آنکه آنها را بسنجند و برای روز قیامت خویشتن را آماده سازید.» امام علی (ع) فرموده: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنَّ عَمَلَ حَسَنًا اسْتَزَادَ اللَّهُ وَإِنْ

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، پیشین، ج ۱۰، ص ۵۳۴.

۲. ابن طاووس، علی بن موسی، محاسبه النفس، تحقیق، شهید ثانی، زین الدین بن علی، کفعمی، ابراهیم بن علی، تهران: مرتضوی، چاپ چهارم، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۳.

عَمِلَ سَيِّئًا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ.^۱ از ما نیست کسی که هر روز از خودش حساب نکشد پس اگر کار نیکویی کرده است بر شکر و سپاس خویش از خداوند بیفزاید و اگر گناهی مرتکب شده است از خدا آمرزش طلبد و توبه نماید.»

امام صادق (ع) فرموده: «إِنَّ النَّهَارَ إِذَا جَاءَ قَالَ يَا ابْنَ آدَمَ اْعْمَلْ فِي يَوْمِكَ هَذَا خَيْرًا أَشْهَدُ لَكَ بِهِ عِنْدَ رَبِّكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَإِنِّي لَمْ آتِكَ فِيْمَا مَضَى وَلَا آتِيكَ فِيْمَا بَقِيَ وَإِذَا جَاءَ اللَّيْلُ قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ.^۲ وقتی روز می آید می گوید: ای پسر آدم در این روز کار نیک انجام ده که در روز قیامت برای آن کار به سود تو شهادت خواهم داد زیرا من قبلاً نزد تو نیامده ام و بعداً هم برای آنچه که باقی است پیش تو نخواهم آمد و همین سخن را می گوید وقتی که شب می آید.»

بنا بر این هم چنان که مراقبت های بیرونی در پیشگیری از جرم و انحراف باید از سوی خانواده، جامعه و نهادهای متولی اجتماعی انجام گیرد، مراقبت های درونی یا همان مراقبت نفس از طریق خودکنترلی در فرد نیز باید صورت گیرد: در حقیقت نوجوان یا جوان معتکف با تقویت اراده خود، به مقابله با ساختارهای معمول در زندگی می پردازد و با تمرین تعبد - که در زندگی سه روزه اعتکاف به دنبال آن است - در تمام ابعاد زندگی، به عزت نفس می رسد که تداوم آن زمینه بروز جرم را در فرد از بین خواهد برد.

۷. مقابله با تهاجم فرهنگی

شاید هر کس آشنایی کمی با اینترنت، ماهواره، فضای مجازی و سایر وسایل ارتباط جمعی داشته باشد، به هجمه فرهنگی تبلیغی و اعتقادی دشمنان مواجه شده است و می داند که دشمنان چه بودجه هایی را در این زمینه مصرف می کنند، تا اعتقادات دینی، ایمان و عواطف دینی و ... مسلمانان را مورد خدشه قرار دهند، برنامه هایی مانند مراسم اعتکاف، این هجمه ها را نقش بر آب کرده و مصونیتی در برابر این هجمه ها و خطرات ایجاد می کند. اعتکاف با توجه به این که ظرفیت عظیمی در خودسازی نوجوانان و جوانان دارد به خوبی می تواند در مقابل فرهنگ بیگانه ایستادگی کند، افرادی که در اعتکاف شرکت می کنند و طعم شیرین عبادت را با عمق جان می چشند، لذت های طبیعی و مادی و شهوانی در نظر آنان، حقیر و بی ارزش می شود و به آسانی تن به گناه و آلودگی نمی دهند و در برابر شیخون فرهنگی مقام می شوند به تعبیر امام علی (ع) که فرموده: «عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ»^۳ یعنی خدا در نظر انسان های مومن بزرگ شمرده شد و آن چه غیر خدا است در نظر ایشان حقیر می باشد. »

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۴۵۳.

۲. همان ص ۴۵۵.

۳. شریف الرضی، محمد بن الحسین، نهج البلاغه، تصحیح: صبحی صالح، قم: چاپ اول ۱۴۱۴، ص ۳۰۳، خطبه ۱۹۳.

از نگاه دیگر، مراسم اعتکاف، درسی عبرت آموز و پیامی عملی برای مردم دارد، در واقع حضور گروهی از مردم در چنین مراسمی، نوعی دعوت به خدا پرستی و تبلیغ عملی دین می باشد از این رو نقش بی بدیلی در تربیت جامعه اسلامی و گسترش و ترویج فرهنگ دینی ایفا می کنند که نتیجه آن افزایش قدرت مقابله در مقابل تهاجم فرهنگی است.

۸. فرهنگ سازی تعاون و همکاری

افزایش روحیه تعاون و همکاری و توجه به اجتماع مسلمین، از جمله آثار اجتماعی اعتکاف است.

تعاون و همکاری به معنای «یاری کردن برخی، برخی دیگر را» آمده است^۱
در آیات^۲ و روایات^۳ بر این روحیه تعاون و همکاری اجتماعی تاکید فراوانی شده است.

مصادیق همدلی و تعاون در اعتکاف

مصادیق فراوانی وجود دارد که می توان به عنوان مصادیق همدلی و تعاون در اعتکاف نام برد از جمله:

۱. عیادت از بیمار

یکی از امور مهم که مورد توجه و تأکید اسلام و پیشوایان معصوم است، عیادت از بیماران و دلداری و شاد کردن آنان است، یکی از مصادیق همدلی بین مومنان عیادت در وقت بیماری است. چرا که انسان بیمار بیشتر از زمان دیگر نیاز به مراقبت و همدلی دارد، لذا وقتی برادر مومنش در آن وقت او را ملاقات کند و کنار او حضور یابد، انس و الفتی بین آنها ایجاد می کند که در مرحله های بعد یکدیگر را یاری می کنند. بر این اساس است که در آموزه های دینی به عیادت بیماران تأکید شده است.

امام صادق (ع) می فرماید: «مَنْ عَادَ مَرِيضًا شَيْعُهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ»^۴ کسی که از بیماری عیادت کند، هفتاد هزار فرشته او را مشایعت می کنند، تا اینکه به خانه خود بازگردد.

پیامبر خدا (ص) می فرماید: روز قیامت که فرا می رسد، خداوند می گوید: ای فرزند آدم، من بیمار شدم و تو به عیادت من نیامدی! گوید: چگونه از تو عیادت نمایم در حالی که تو رب العالمین، پروردگار جهانیان هستی؟ خداوند پاسخ می دهد، ندانستی که فلان بنده من بیمار است (چرا) از او عیادت نکردی، مگر نمی دانستی که اگر از او عیادت می کردی مرا نزد او، می یافتی.^۵

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تران، ۱۳۷۹ ه. ش، ذیل واژه تعاون.

۲. مائده، آیه ۲

۳. دشتی، محمد؛ نهج البلاغه، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین، پاییز ۱۳۸۱، خطبه ۲۱۶ و کلینی، محمد بن یعقوب؛ فروع کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه،

۱۳۶۵ ه. ق، ج ۵، ص ۱۰۷

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۳، ص ۱۲۰، حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، پیشین، ج ۲، ص ۶۳۴؛

۵. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۲ ش، چاپ اول، ج ۹، ص ۱۲۸.

و در روایتی از پیامبر ﷺ نقل شده که: کسی که از بیماری عیادت نماید، خداوند هفتاد هزار هزار فرشته را مأموریت می‌دهد که زمانی که وی از دنیا رفت در قبرش از او عیادت کنند و تا روز قیامت برای او استغفار کنند.^۱

معتکف با توجه به این که باید در حال اعتکاف مسجد را ترک نکند و حتی حق ندارد برای ملاقات با عزیزترین و شریف‌ترین افراد از مسجد خارج شود، درک می‌کند که عیادت از بیمار در پیشگاه اسلام چه اندازه مهم و ارزشمند است که حق دارد برای انجام آن از مسجد خارج شود^۲ و دل بیماری را شاد و گرهی از کار او بگشاید با چنین درکی وی سعی می‌کند که در زندگی همواره این عمل خداپسندانه را انجام دهد و بدون عذر آن را ترک نکند و در نهادینه شدن آن در جامعه اسلامی تلاش نماید.

۲.۱. اهتمام به تشیع جنازه

از اموری که مورد تأکید اسلام است و معصومان درباره اهمیت و ثواب آن سخنان فراوانی دارند، تشیع جنازه مسلمانان است، حضور در تشیع جنازه از اعمالی است که پیامبر ﷺ مردم را به آن فرمان داده است: «أَمَرَنَا النَّبِيُّ ﷺ بِاتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ»^۳

از پیامبر ﷺ سؤال شد که فردی دعوت شده که در ولیمه‌ای شرکت نماید و هم زمان از او خواسته شده که در تشیع جنازه‌ای مشارکت نماید کدام یک برتر است فرمود: «يُجِيبُ الْجِنَازَةَ فَإِنَّهَا تُذَكِّرُ الْآخِرَةَ ...»^۴ در تشیع جنازه شرکت نماید که او را به یاد آخرت می‌اندازد.

فرد معتکف وظیفه دارد که در دوران اعتکاف از مسجد خارج نشود اما در چند مورد است که حق دارد از مسجد خارج شود و بعد از انجام آن عمل بدون درنگ، به مسجد باز گردد، یکی از آن موارد تشیع جنازه است. امام صادق (ع) می‌فرماید: سزاوار نیست که معتکف از مسجد خارج شود مگر برای عملی که انجام آن ضرورت داشته باشد، یا برای تشیع جنازه (الْأَلَا لَجِنَازَةٍ)^۵ انسان معتکفی که می‌داند، تشیع جنازه به اندازه‌ای در اسلام، دارای اهمیت است که می‌توان در حال اعتکاف برای انجام آن از مسجد خارج شد. سعی می‌کند که انجام این عمل خداپسندانه را همواره در زندگی و دوران حیات انجام دهد و به آن اهتمام ورزد و در حالت عادی که در حال اعتکاف نیست، آن را بدون عذر واقعی ترک نکند و تلاش خواهد کرد که دیگران را نیز به این امر نیکو تشویق نماید.

۱. «وَمَنْ عَادَ مَرِيضًا ... وَكُلَّ بِهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يُعَوِّدُونَهُ فِي قَبْرِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، صدوق (محمد بن علی بن بابویه)

قم، دارالشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ق، ص ۲۹۲.

۲. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است ... وَ لَا يَخْرُجُ فِي شَيْءٍ إِلَّا لَجِنَازَةٍ أَوْ يُعَوِّدُ مَرِيضًا، کافی، ج ۴، ص ۱۷۹.

۳. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، علامه حلی (حسن بن یوسف)، ناشر مجمع البحوث الاسلامیه، ج ۷، ص ۲۶۶.

۴. شیخ طوسی، محمد بن حسن تهذیب الأحکام، پیشین، ج ۱، ص ۴۶۲.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب الکافی، پیشین، ج ۴، ص ۱۷۸ - ۱۷۹.

۳. اهتمام به رفع مشکلات مردم

کمک به نیازمندان و کوشش و جدیت جهت رفع مشکلات آنان از کارهای مهمی است که مورد تأکید و سفارش رهبران الهی است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عِتْقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ وَ خَيْرٌ مِنْ حُمْلَانِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۱ برآوردن نیاز مؤمن، از آزاد کردن هزار بنده و فرستادن هزار اسب برای جهاد در راه خدا بهتر است.

همچنین از آن حضرت روایت شده: کسی که هفت دور طواف کعبه کند، خداوند برای او شش هزار درجه مقامش را بالا می‌برد، سپس ادامه می‌دهد: برآوردن حاجت مؤمن از طواف و طواف برتر است ... (و حضرت ده بار طواف را تکرار کرد)^۲ یعنی پاداشش از ده طواف برتر است.

مطالعه و بررسی سیره و روش اهل بیت (ع) در این رابطه، بسیار حائز اهمیت است در روایت از ابن عباس آمده که گوید: من با حسن بن علی (ع) در مسجد الحرام بودیم و آن حضرت در آن مسجد، در حال اعتکاف و مشغول طواف بود که یکی از شیعیانش، مشکل خود را چنین مطرح کرد: به فلانی بدهکارم، اگر امکان دارد کمک کنید و بدهی مرا پرداخت نمایید حضرت فرمود: به پروردگار همین خانه که چیزی نزد من نیست (که بدهی ترا بدهم) گفت: اگر امکان دارد از وی درخواست کن تا برای پرداخت دین به من مهلت دهد چون تهدید کرده است که (اگر دینش را ندهم) مرا زندانی کند! امام مجتبی (ع) (چون این را شنید) طواف را رها کرد، و با او حرکت کرد (تا برود و گرفتاری او را برطرف نماید. ابن عباس گوید: به حضرت گفتم: آیا فراموش کرده‌ای که در حال اعتکاف می‌باشی (و در حال اعتکاف خروج از مسجد، جایز نیست) فرمود: خیر، و اما از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: هر کس حاجت و نیاز برادر مؤمن خود را برآورده نماید، پاداشش همانند کسی است که نه هزار سال خدا را عبادت کند به این کیفیت که روزها، روزه باشد و شب‌ها در حال قیام (نماز)^۳

انسان معتکف که می‌داند تلاش جهت رفع مشکلات گرفتاران این اندازه اهمیت دارد، که معتکف می‌تواند، اعتکاف خود را رها کند - (در جایی که رها کردن آن جایز است) و برای برآورده نمودن نیاز نیازمندان - سیره امام مجتبی (ع) را - مورد توجه خود قرار می‌دهد.^۴ به رفع مشکلات مردم بیشتر اهمیت می‌دهد. و این همان رابطه اعتکاف و رفع مشکلات مردم است.

در روایت دیگری از امام سجاد (ع) وارد شده است که: «وَاللَّهِ لَقَضَاءُ حَاجَتِهِ - يَعْنِي الْأَخَ الْمُؤْمِنَ - أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهِ مِنْ صِيَامِ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ وَ إِعْتِكَافِهِمَا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ»^۱ به خدا قسم برآورده کردن نیاز برادر مؤمن (و حل مشکلی از مشکلات نیازمندان) در نزد

۱. همان، ج ۲، ص ۱۹۳؛ مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، پیشین، ج ۷۱، ص ۳۲۴.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، همان، ج ۲، ص ۱۹۴ (و قضاء حاجه المؤمن افضل من طواف و طواف حتی عد عَشْرًا)

۳. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، پیشین، ج ۹۴، ص ۱۲۹.

۴. مجلسی، محمد تقی، روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، به تصحیح سید حسین موسوی کرمانی، اشتهاردی و ... قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشا نبور،

۱۴۰۶، ج ۳، ص ۵۰۵.

من از دو ماه روزه پی در پی در مسجدالحرام، و دو ماه اعتکاف در آن مکان مقدس ارزشمندتر است» از این حدیث استفاده می‌شود که اسلام دین کامل و جامعی است و فقط نگاه فردی به عبادات ندارد و همان طور که به رابطه بیت خدا و فرد اهمیت می‌دهد به رابطه مردم با اجتماع هم اهمیت می‌دهد. به مسلمانان سفارش می‌کند که در حل مشکلات ممنوع خود کوشا باشید.

منابع:

۱. قرآن کریم

۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبۀ الله، شرح نهج البلاغه، دارالاحیاء التراث، بیروت، ۱۳۸۷ ه. ق.

۳. احسائی، ابن ابی جمهور، عوالی الثالی، قم، انتشارات سید الشهداء، ۱۴۰۵ ه. ق

۴. ابن طاووس، علی بن موسی، محاسبه النفس، تحقیق، شهید ثانی، زین الدین بن علی، کفعمی، ابراهیم بن علی، تهران: مرتضوی، چاپ چهارم، ۱۳۷۶ ش،

۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: ناشر دار صادر، چاپ سوم.

۶. التمیمی، عبدالواحد الامدی، غررالحکم ودرر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶

۷. الحرانی، الحسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، به تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۴ ه.

۸. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه، بیروت-لبنان، احیاء تراث عربی، ۱۳۷۰، ج ۱۱،

۹. حلی، حسن بن یوسف، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ناشر مجمع البحوث الاسلامیه

۱۰. حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ج ۶.

۱۱. حلی، محقق نجم الدین جعفر بن حسن، قم: مؤسسه سید الشهداء چتپ اول، ۱۴۰۷. ج ۲.

۱۲. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم: مؤسسه دارالعلم، چاپ اول.

۱۳. دشتی، محمد؛ نهج البلاغه، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین، پاییز ۱۳۸۱، خطبه ۲۱۶

۱۴. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ ه. ش.

۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، محقق/مصحح، صفوان عدنان داودی، بیروت: دار العلم، الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ه. ق، چاپ اول.

۱۶. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، بیروت، دارالکتاب العربی، بی تا، ج ۳

۱۷. سلگی نهاوندی، ترجمه ارشاد القلوب، قم: نشر ناصر، ۱۳۷۶، چاپ اول.

۱۸. شریف الرضی، محمد بن الحسین، نهج البلاغه، تصحیح، صبحی صالح، قم: چاپ اول ۱۴۱۴

۱۹. شهید اول، محمد بن مکی عاملی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۷ ه. ق، ج ۱.

۲۰. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، فضائل الا شهر الثلاثه، قم: کتابفروشی داوری، بی تا.

۲۱. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم: دارالشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ ق

۲۲. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، قم: بنیاد فرهنگ اسلامی ۱۳۶۴
۲۳. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ه.ش، چاپ چهارم.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه، چاپ دوم، ۱۴۰۸، ج ۷
۲۵. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، مصحح/ محقق: سید احمد حسینی، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ه.ق.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب؛ فروع کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ه.ق، ج ۵،
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، به تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت، دارالصعب ودارالتعارف، ۱۴۰۱ ه.ق.
- ۱۷.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ه.ش
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ فروع کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ه.ق،
۳۰. گلمن، دانیل؛ هوش هیجانی، ترجمه پارسا، نسرین؛ تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۳، چاپ سوم،
۳۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ه.ق.
۳۲. مجلسی، محمد تقی، روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، به تصحیح سید حسین موسوی کرمانی، اشتهاردی و ... قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشا نبور،
۳۳. معاونت فرهنگی و تبلیغ، سازمان تبلیغات اسلامی، حیات طیبه (مجموعه مقالات پیرامون اعتکاف)، بی تا، بی نا
۳۴. مقدادی اصفهانی، علی؛ نشان از بی نشانها، تهران، انتشارات جمهوری، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۷.
۳۵. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۲ ش، چاپ اول، ج ۹
۳۶. نجفی، محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام، محقق و مصحح، قوچانی، شیخ عباس، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۳۷. نراقی، احمد؛ معراج السعاده، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی طوبای محبت، چاپ اول، ۱۳۸۵،
۳۸. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول ۱۴۰۸ ه.ق، ج ۸،
۳۹. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، قم: مکتبه فقیه، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق
۴۰. یزدی، سید محمد کاظم بن عبدالعظیم طباطبائی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ه.ق، چاپ دوم.